

خبر

ناگفته‌هایی از رهبر انقلاب

● ایسنا، رئیس دفتر مقام‌معم‌هربری در مجمع عمومی نمایندگان طلاب و فضلا در قم گفت: «بنده قریب به ۳۰ سال است که خدمت مقام معظم رهبری بوده و سن بازنشستگی ما رسیده است و آرزو دارم مجدد به حوزه علمیه قم برگشته و در این شهر مقدس حضور داشته باشم».
حجت‌الاسلام‌والمسلمین محمدی‌گلیباکی‌ا افزود: «معظم‌له دارای چهار پسر و دو دختر هستند که مراقبت و مواظبتشان زیان‌زد است. آقازاده‌های ایشان آجاره‌نشین هستند».
گلیباکائی با اشاره به اینکه «بنده از خود ایشان شنیدم که اگر مسائل حفاظتی نبود، با پیکان به این طرف و آن‌طرف می‌رفتم، اظهار کرد: «در دفتر ایشان ماشین‌هایی وجود داشته و از آن استفاده می‌شود، اما معظم‌له هر شش ماه یک‌بار پول بنزین و هزینه استهلاک ماشین‌هایی را که از آن استفاده کرده‌اند، به حفاظت برمی‌گردانند».

بازتاب

جناب آقای مهدی رحمانیان

مدیرمسئول محترم روزنامه وزین «شرق»

● ضمن عرض سلام و ادب به استحضار می‌رساند در مصاحبه مورخه ۱۱ دی ۱۳۹۷ روزنامه شرق با جناب حجت‌الاسلام‌والمسلمین س‌روش‌محلّاتی، نسبت‌هایی به علامه شهید آی‌الله سیدمحمدباقر صدر داده شده است که دست‌کم دو مورد از آنها کاملاً برخلاف اندیشه ایشان و دقیقاً در نقطه مقابل تصریحات شفاف و روشن آن عالم گران‌قدر در بخش‌های مختلف آثارش است. ازاین‌رو مستدعی است براساس قوانین جاری، مطلب زیر را در همان صفحه و به همان شکل منتشر فرمایید.
جناب حجت‌الاسلام‌والمسلمین س‌روش‌محلّاتی در آن مصاحبه، نظریه شهید صدر درباره ولایت فقیه را به این شکل تبیین می‌کند: تلقیفی از ولایت با مبدأ الهی و وکالت از سوی مردم که تفسیری حداقلی از ولایت فقیه بوده و بیشتر نقش نظارت دینی برای آن از سوی شهید صدر در نظر گرفته شده است. این تبیین به هیچ‌یک از آثار شهید صدر قابلیت انتساب ندارد.
اولا شهید صدر در هیچ‌یک از آثار خود، ولایت فقیه را وکالت از سوی مردم ن‌شمرده است. ثانیا به‌هیچ‌عنوان نقش ولی فقیه را نظر شهید صدر حداقلی نیست. این برداشت ممکن است از خلط میان معنای اشراف در فارسی و عربی ایجاد شده باشد؛ چراکه اشراف در فارسی به معنای نظارت کلی است؛ اما در عربی به معنای نظارت کلی نیست؛ بلکه مدیریت عالی است. معنای مدیریت عالی از کلمه قیمومیت (الولاية بمعنى القیومۃ علی تطبیق الشریعه) که در متن شهید صدر به آن تصریح شده است نیز کاملاً پیداست و منظور از اشراف را نیز به‌خوبی روشن می‌کند.
همچنین شهید صدر در همان متن مورد استشهاد جناب س‌روش‌محلّاتی به اختیارات ولی فقیه در نظام جمهوری اسلامی نیز اشاره کرده که این موارد نشان می‌دهد هرگز نگاه ایشان به ولایت فقیه «تفسیری حداقلی و در حد نظارت» نبوده است. برخی از این موارد عبارت‌اند از: بالاترین مقام حکومت؛ فرمانده کل قوا؛ ایجاد نامه‌های احراز ریاست قوه مجریه یا تأیید نامزدی افرادی که برای ریاست آن قوه داوطلب شده‌اند؛ تعیین انطباق با عدم انطباق قانون اساسی با شریعت اسلامی؛ ایجاد دیوان عالی جهت بررسی هرگونه تخلف احتمالی در زمینه‌های یادشده؛ ایجاد دیوان قضاتی از کلیه قضاها جهت بررسی پرونده‌های شاکیان و داد‌خواهان و اقدام مناسب در آن موارد. (الإسلام یقود الحیاة، چاپ مرکز الأبحاث، ص ۲۱). همچنین جناب س‌روش‌محلّاتی در بخش دیگری از مصاحبه خود در تبیین نظریه منطقه الفراغ دیگری می‌گوید: «شهید صدر این قلمرو را قلمرو آزادی‌انسان و اختیار او برای شیوه زندگی می‌داند. این قلمرو در اختیار انسان است، یعنی شهروندان نسبت به آن تصمیم می‌گیرند» و این را در مقابل نظر آی‌الله شاهرودی قلمداد می‌کند و می‌گوید: «آقای شاهرودی این قلمرو را بیشتر در اختیار حکومت قرار می‌دهد و می‌گوید حکومت در احکام الزامی شرع دست‌ش بسته است». ولی در منطقه‌الفراغ دستش باز است». برای اثبات خلاف واقع بودن مطلبی که جناب س‌روش‌محلّاتی به شهید صدر نسبت داده است، نقل چند جمله از ایشان درباره منطقه‌الفراغ بسنده است:

مکتب اقتصادی اسلام دو بخش دارد: یک، بخشی که از سوی اسلام به صورت قطعی و غیرقابل تحول و جایگزینی پر شده است؛ دو، منطقه‌الفراغ که اسلام مسئولیت پرکردن آن را به حکومت یا ولی امر سپرده است و آنها براساس اقتضات اهداف کلی اسلامی و مقتضیات هر زمان آن را بر می‌کنند. (اقتصادنا، چاپ مرکز الابحاث، ص ۴۴۳). منطقه‌الفراغ به معنای وجود نقص در شکل تشریعی یا اعمالی از سوی شریعت نسبت به برخی از رویدادها و حوادث نیست؛ بلکه به معنای احاطه کامل شکل تشریعی و قدرت شریعت بر همگامی با عصرهای مختلف است؛ زیرا شریعت منطقه‌الفراغ را به شکلی که دال بر نقص یا اهمال باشد، رها نکرده است؛ بلکه احکام منطقه‌الفراغ را کاملاً تعیین کرده است؛ به‌این‌صورت که به هر رویدادی یک صفت تشریعی اصلی بخشیده و به ولی امر نیز این صلاحیت را داده است که براساس شرایط به آن صفت تشریعی ثانوی بدهد. (اقتصادنا، چاپ مرکز الابحاث، ص ۴۸۰).

روابط عمومی پژوهشگاه تخصصی شهید صدر

مرحله پایانی دومین نشست از سلسله نشست‌های فقه‌پژوهی مؤسسه فقه‌التقلین با موضوع «چالش‌های حقوق زنان در فقه» صبح پنجشنبه با حضور حضرات آیات صائعی، بیات‌زنجان‌ی، سیدحسن خمینی، بجنوردی، موسوی‌تبریزی، عابدینی، مقدس، عرب، مرتضوی، ایازی و جمعی از استادان حوزه و دانشگاه و فعالان حوزه زنان و حقوق بشر در شهر قم برگزار شد.

آیت‌الله‌العظمی صائعی در این نشست گفت: همایشی که امروز در قم برای حقوق زنان در فقه اسلامی برگزار شده، برای بنده، هم جای تأسف و جای خوشحالی دارد. جای خوشحالی است که فکر عقلانی‌بودن و مطابق با فطرت‌بودن اسلام در حوزه علمیه و دانشگاه دارد پروبال می‌گیرد؛ اما جای تأسف است که در زمان حضرت امام دشمن اجازه نداد که این فقیه بزرگوار کم‌نظیر یا بی‌نظیر بتواند حقایق اسلامی را به صورت آشکار بیان کند و این همایش‌ها زیر نظر او برگزار شود.

ایشان افزود: ای‌کاش امام زنده بود و ما چهره نواندیش و ژرف‌اندیش او را بیشتر می‌دیدیم. شما به فقه امام نگاه کنید. از کتاب الطهارة تا کتاب قبض و اقباض که در نجف گفته در همه‌جا امام تحقیق و مطلب جدید دارند. صاحب جواهر و صاحب مفتاح‌الکرامه گاهی تند می‌روند، اما امام هیچ‌گاه تند نمی‌رفت. در مسئله غنا و موسیقی که مرحوم فیض حرمت را حرمت محتوایی می‌داند، همه به او حمله می‌کنند و امام می‌گوید حمله ندارد و جواب او را بدهید.

آیت‌الله صائعی تصریح کرد: ما با نوآوری بر پایه فقه جواهری و فقه شیخ انصاری موافقیم. نوآوری باید بر اساس کتاب و سنت و عقل باشد، اما خارج از این راه را که بنشینیم و بگوییم در کدام چنین چیزی نبوده و ما الان می‌خواهیم بگوییم یا این مطلب خلاف عقل است و ما می‌خواهیم آن را موافق عقل جلوه دهیم را قبول نداریم و معتقدم اسلام همه‌چیز را بیان کرده است. پیامبر فرمودند: «ما من شیء» یقریکم من الجنة ویاعدکم عن النار الا و قد امرتکم به، و ما من شیء یقریکم من النار ویاعدکم عن الجنة الا و قد امرتکم عنه؛ همه آنچه را که عامل سعادت بوده من بیان کردم و همه آنچه را که عامل شقاوت بوده را بیان و نهی کردم.

آیت‌الله صائعی گفت: برای اینکه بتوانیم در قوانین پیشرفت کنیم یک راه این است که به حرف‌های شیخ در بحث اصول در موضوع اجماع عنایت داشته باشیم. اجماعی که از زمان ائمه به ما رسیده را حجت بدانیم، اما اجماع از زمان شیخ طائفه را برای چه؟ هرکسی هر حرفی می‌زند فوری بگوییم خلاف اجماع گفته است. ببینیم خلاف کدام اجماع سخن گفته است.

آیت‌الله صائعی خواستار دقت بیشتر در تفسیر آیات و روایات شد و با اشاره به آیه «لم یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلاً» گفت: در خود آیه احتمالاتی مطرح است. یکی این است که برای دلیل و برهان باشد. یکی این است که برای قیامت است و یک احتمال هم این است که برای قانون‌گذاری است. در قانون‌گذاری سبیلی برای کافر بر مؤمن نیست. علامه طباطبائی می‌گوید همه این موارد مدنظر است، اما خدا می‌گوید «للكافرين». کفر غیر از عدم اسلام است. از نظر ما، یک دسته از انسان‌ها مسلمانند؛ یعنی شهادتین گفته‌اند. یک دسته کافران؛ یعنی می‌دانند اسلام حق است، اما نمی‌پذیرند و یک دسته هم غیرمسلمانند. امروز جمعیت دنیا غیرمسلمانند و آنها را به کسی که در آفرینش زندگی می‌کند می‌توان فهماند قرآن معجزه پیامبر است؟ او قاصر است. شما قاصر را در احکام شرعیه مستحق عذاب نمی‌دانید؟ چطور اینجا مستحق عذاب می‌دانید؟

حالا ما این آیه را بر همه غیرمسلمانان جاری کرده و آنها را از همه حقوق محروم می‌کنیم. اگر شخص شهادتین بگوید و دزدی کند و اخلاص کند همه حقوق را دارد؛ اما اگر از باب قاصر‌بودن نکوید چه؟ اگر فرد در اصول اعتقادات قاصر باشد چه؟ کم‌الانکه جمعیت زیادی در دنیا این چنین هستند.

اینها غیرمسلم هستند نه کافر. ثانیا اصلا سبیلی نیست، مالکیت چون مستلزم سلطه بر مملوک است ممنوع است؛ اما اینجا قانون وجود دارد و اگر شخص طبق آن عمل نکرد یا او برخورد می‌شود.

آیت‌الله‌العظمی صائعی سپس با اشاره به عبارت «کل شیء» مطلق حتی یرد فیه نهی» گفت: همه‌چیز آزاد است، مگر اینکه حرمت بپایید. در مباحات یک طرف را نظام انتخاب می‌کند تا هر‌چومرج ایجاد نشود. می‌خواهی به خارج بروی باید گذرنامه بگیری و می‌خواهی مطب بزنی باید مجوز بگیری. اینها همه مباح است و طرف آزاد است، اما قوانین جلوی شما را می‌گیرد. الان درباره سن ازدواج بحث است. برخی می‌گویند دختر ۹ ساله را با مرد ۵۰ ساله به عقد هم دریاورید. اگر مصلحت‌اندیشان مملکت گفتند سن ۱۵ یا ۱۸ سال باشد و با مرد هم اختلاف سن زیاد نداشته باشد همان می‌شود؛ یعنی یک طرف مباح را گرفته و یک طرف را رها کرده‌اند. کجای آن خلاف شرع است؟ اگر همه اینها را خلاف شرع بدانیم چیزی نمی‌ماند.

ایشان با اشاره به قاعده انصاف گفت: برای ابقائه باید رساله‌ای نوشته شود. کلینی (قدس‌سره‌الشریف) در اصول کافی که روایات را

سیاست

هم‌اندیشی «چالش‌های حقوق زنان در فقه» با حضور آیات عظام در قم برگزار شد

مسئله حق زن در اسلام

با حضور حضرات آیات صائعی، بیات زنجان‌ی، سیدحسن خمینی، بجنوردی، موسوی‌تبریزی، عابدینی، مقدس، عرب، مرتضوی، ایازی و شهیندخت مولاوردی



عکس: هادی چنگیزی، چهاران

حقوق و جایگاه زن تلاش کنند و الگوهای عملی ارائه دهند. شاید مجاری قانونی در تبدیل نظرات نوآورانه و گره‌گشای فقهی تأخیر روا دارند؛ اما همه اینها نباید موجب کندی تلاش‌های علمی و ارائه اندیشه‌های راهگشا شود. قطعاً اندیشه قوی و مستدل راه خود را باز می‌کند و به‌تدریج مبنای عمل واقع می‌شود. او افزود: در زمانه‌ای به سر می‌بریم که جامعه بشری برای دستیابی به وضعیت مطلوب، قرن‌ها تجربه تلخ و شیرین را پشت سر گذاشته و در تلاش است و شبهات است. اگر نهادهای علمی و حوزه‌های علمیه در مواجهه با این شرایط از ابزارهای علمی و منطقی برای پاسخ‌گویی استفاده نکنند، ممکن است در آینده‌های نزدیک جبرانی برای خسارت‌های بدبینی مردم به دین و آموزه‌های اسلامی وجود نداشته باشد. حجت‌الاسلام بیگی درباره هدف برگزاری این نشست‌ها گفت: آنچه در این نشست‌ها دنبال آن هستیم، یافتن راه‌حل‌های جدید در موضوعات گوناگون برای رسیدن به غایت و هدف اصلی سنت است و نه واردکردن مواد و عناصر مبتنی بر یافته‌های صرفاً تجربی و دانش بشری در راستای زایش، افزایش یا کاهش در آیین وحیانی. به این دلیل، از یک سو هرگونه نوآوری، نوسازی و بازسازی در دین همانی است که از آن به إدخال فی الدین ما لیس فی الدین، تعبیر می‌شود و این بدعتی آشکار است و مؤسسه فقه التقلین را به آن راهی نیست. او افزود: آیا اگر کسی بخواهد خطایی و متدهای جدیدی را برای بهره‌گیری از سنت خلق کند، یا شیوه‌های موجود بهره‌گیری از سنت را به نقد و چالش بکشد، یا بر آنها بیفزاید یا از آنها کم کند، این هم بدعت است؟ روشن است که نوآوری و اجتهاد مبتنی بر وحی و عقلانیت، صفحه جدید و پنجره شکوفایی آزاداندیشی و نمونه‌ای از حضور در دنیای مدرن برای پاسخ‌گویی به پیچیدگی‌ها و رویدادهای عصر حاضر است.

اگر آزادی بیان نباشد، تفکر می‌میرد

آیت‌الله «عباسعلی روحانی» در نشست پایانی چالش‌های حقوق زنان در فقه که صبح روز پنجشنبه از سوی مؤسسه فقه التقلین در قم برگزار شد، با تأکید بر لزوم آزادی بیان برای حل چالش‌های فقهی نوپدید گفت: اول باید بگوییم تفکر تا کجا آزاد است؟ آیا من مختارم تا هرکجا که می‌توانم ببیندیشم؟ دوم اینکه لازمه تفکر، بیان و سؤال است؛ باید بیرسم و سؤال را مطرح کنم. اگر سخره را شکافتم، باید اجازه گفتن آن را داشته باشم. اگر بیان ممنوع شود، قطعاً تفکر می‌میرد. چرا یک فقیه وقتی با فقه جواهری می‌خواهد یک معرفت دینی را روزآمد کند، جرئت گفتن نداشته باشد؟ این محقق حوزه تصریح کرد: مرجع تقلیدی در دهه ۴۰ به من می‌گفت: از نظر من زمین به مالکیت احدی درنی‌آید؛ اما اگر بیرون بگویی، تکذیب می‌کنم. این ترس برای چیست؟

آیت‌الله روحانی گفت: اگر مشکلات معرفتی درباره زنان را در نظر بگیریم، هرگز نمی‌توانیم به چالش‌های حقوقی پاسخ دهیم. باید این به‌تای اندیشه‌ای را که زاییده زمان خودش بوده، بشکنیم. فقیهان بزرگ اسلام و جانشینان شیخ طوسی و علامه‌حلی‌ها باید این فضا را بشکنند و باب را باز کنند تا دیگران جرئت سخن گفتن داشته باشند. متأسفانه همچنان در حوزه شهادتین بگویند و دزدی کند و اخلاص کند همه به من می‌گفت: از نظر من زمین به مالکیت احدی درنی‌آید؛ اما اگر بیرون بگویی، تکذیب می‌کنم. این ترس برای چیست؟

آیت‌الله‌العظمی صائعی: **آلان درباره سن ازدواج بحث است. برخی می‌گویند دختر ۹ ساله را با مرد ۵۰ ساله به عقد هم دریاورید. اگر مصلحت‌اندیشان مملکت گفتند سن ۱۵ یا ۱۸ سال باشد باید با مرد هم اختلاف سن زیاد نداشته باشد همان می‌شود هر غیرمسلمانی کافر نیست**

مرحله پایانی دومین نشست از سلسله نشست‌های فقه‌پژوهی مؤسسه فقه‌التقلین با موضوع «چالش‌های حقوق زنان در فقه» صبح پنجشنبه با حضور حضرات آیات صائعی، بیات‌زنجان‌ی، سیدحسن خمینی، بجنوردی، موسوی‌تبریزی، عابدینی، مقدس، عرب، مرتضوی، ایازی و جمعی از استادان حوزه و دانشگاه و فعالان حوزه زنان و حقوق بشر در شهر قم برگزار شد.

آیت‌الله‌العظمی صائعی در این نشست گفت: همایشی که امروز در قم برای حقوق زنان در فقه اسلامی برگزار شده، برای بنده، هم جای تأسف و جای خوشحالی دارد. جای خوشحالی است که فکر عقلانی‌بودن و مطابق با فطرت‌بودن اسلام در حوزه علمیه و دانشگاه دارد پروبال می‌گیرد؛ اما جای تأسف است که در زمان حضرت امام دشمن اجازه نداد که این فقیه بزرگوار کم‌نظیر یا بی‌نظیر بتواند حقایق اسلامی را به صورت آشکار بیان کند و این همایش‌ها زیر نظر او برگزار شود.

ایشان افزود: ای‌کاش امام زنده بود و ما چهره نواندیش و ژرف‌اندیش او را بیشتر می‌دیدیم. شما به فقه امام نگاه کنید. از کتاب الطهارة تا کتاب قبض و اقباض که در نجف گفته در همه‌جا امام تحقیق و مطلب جدید دارند. صاحب جواهر و صاحب مفتاح‌الکرامه گاهی تند می‌روند، اما امام هیچ‌گاه تند نمی‌رفت. در مسئله غنا و موسیقی که مرحوم فیض حرمت را حرمت محتوایی می‌داند، همه به او حمله می‌کنند و امام می‌گوید حمله ندارد و جواب او را بدهید.

شاهد آن هستیم، مشاهده نمی‌کردیم. آیت‌الله مرتضوی گفت: ما نباید بعد از گذشت ۴۰ سال از انقلاب امروز صدای هل من ناصر زن‌هایمان را بشنویم. در قانون کشور موازین اسلامی ملاک است و فتوای خاصی ملاک عمل نیست. قانون کشور با توجه به اختلاف نظریه‌ای که وجود دارد نمی‌خواهد از فرد خاصی تقلید کند؛ بلکه می‌خواهد قوانینی تصویب شود که خارج از چارچوب موازین اجتهاد اسلامی نباشد و بنابراین هر روز نگاه نمی‌کنند ببینند که چه کسی حیات دارد یا اعلم است. وی افزود: شهید صدر در محبت اقتصاد خود به موضوع منطقه‌الفراغ اشاره می‌کند. در حوزه مباحات به معنای اعم؛ یعنی در غیرالزامی‌ها قانون بر اساس کار کارشناسی یک طرف را می‌گیرد. در غیرالزامیات دست حکومت صالح باز است. در بحث تعدد ازدواج مرحوم علامه می‌گویند اگر حکومت صالحی باشد این از اختیارات و به یک معنا از وظایف حکومت است که برای تعدد‌مهمسری شرایط بگذارد و حتی به برخی اصلاً اجازه ازدواج ندهد. در چنین شرایطی این مسئله به تعدد ازدواج اختصاص ندارد و سن ازدواج را هم شامل می‌شود و قانون‌گذار می‌تواند آن را حل کند. نباید ظرفیت استفاده از فتوای موجود را به روی خودمان ببندیم.

مولاواردی گفت: قرن‌ها با توضیحات ناروا بی‌عدالتی‌های متنوعی علیه زن در اکثر جوامع صورت گرفته و همچنان نیز به شکل‌های قدیمی و تجربه‌شده شاهد نقض حقوق زن در سراسر جهان هستیم. بنابراین جامعه بشری نمی‌تواند نسبت به این واقعیت‌های تلخ بی‌تفاوت باشد.

وی ادامه داد: در این‌ شرایط نظام‌های فکری داشته‌اند نظری و دستاوردهای خود را ارائه می‌کنند تا مخاطبان بیشتری را جذب تجربه جدیدی و بنابراین اندیشه اسلامی نیز در این زمینه نمی‌تواند بی‌تفاوت باشد. آن هم نه فقط به‌ خاطر وضعیت زنان در جوامع اسلامی بلکه برای ارائه راهکارها و الگوهای مناسب برای کل جامعه بشری؛ چراکه بنا بر نصوص دینی، اسلام دینی جهان‌شمول است و فقط به سرنوشت گروهی خاص در کشورهای خاص توجه ندارد؛ بلکه رشد و تعالی نوع بشر را مورد توجه قرار می‌دهد.

وی ادامه داد: در این‌ شرایط نظام‌های فکری داشته‌اند نظری و دستاوردهای خود را ارائه می‌کنند تا مخاطبان بیشتری را جذب تجربه جدیدی و بنابراین اندیشه اسلامی نیز در این زمینه نمی‌تواند بی‌تفاوت باشد. آن هم نه فقط به‌ خاطر وضعیت زنان در جوامع اسلامی بلکه برای ارائه راهکارها و الگوهای مناسب برای کل جامعه بشری؛ چراکه بنا بر نصوص دینی، اسلام دینی جهان‌شمول است و فقط به سرنوشت گروهی خاص در کشورهای خاص توجه ندارد؛ بلکه رشد و تعالی نوع بشر را مورد توجه قرار می‌دهد.

مولاواردی گفت: متأسفانه عمر بابرکت امام

بیش از یک دهه بعد از انقلاب دوام نداشت تا سایر اقدامات لازم برای تکمیل طرح جامع عدالت‌خواهانه ایشان عملیاتی شود و همین امر موجب شد که پس از سه دهه از رحلت ایشان با همه تلاش‌های شاگردانشان هنوز برخی موضوعات ساده مانند پذیرش صلاحیت زنان در تفسیر رحل سیاسی مذکور در اصل ۱۱۵ قانون و حضور زنان در ورزشگاه‌ها و سفر به خارج گروهی از زنان برای شرکت در برخی مسابقات علمی و ورزشی و ازدواج شرعی دخترپچه با صلا‌حدید ولی و مصادیق موضوعی دیگر همچنان در سطح نظام لازم‌الاجرای کشور لاینحل باقی مانده و این امر شرایطی را ایجاد کرده که حتی یک هیئت کوهنوردی در یک شهر ایران به خود اجازه می‌دهد که خودسرانه حضور زنان را

منوط به اجازه هم‌ریشان کند و برخی در پوشش دین کلاس‌های آموزشی برای ترویج چندمهمسری را در دستور کار خود قرار می‌دهند یا یکسره به نام دلسوزی برای اخلاق جامعه فقط زنان را خطاب قرار می‌دهند؛ گویا مردان برای تأمین اخلاق وظیفه‌ای ندارند. مولاواردی تصریح کرد: اگر جامعه‌نگری لازم را نداشته باشیم و به جهان‌شمولی پیام‌های این خاتم برای نوب بشر و ضرورت اقعاع هر مخاطبی نیندیشیم، نمی‌توانیم فهم درستی از منابع دینی داشته و این منظر دین راهاکارهای مناسبی برای حل نیازهای نوپدید و رفع مصادیق کهنه بی‌عدالتی ارائه دهیم.

نظام قانون‌گذاری کشور خود را ظرفیت‌های موجود فتوایی محروم کرده‌است
آیت‌الله سیدمضیاء مرتضوی گفت: نظام قانون‌گذاری کشور خود را از ظرفیت‌های موجود فتوایی محروم کرده است. اگر دیدی جامع داشته باشیم، راه‌حل بسیاری از مسائل مطرح‌شده در حوزه زنان در فقه ما وجود دارد. وی افزود: اگر نگاه ۵۰ سال قبل شهید صدر و قبل از آن نگاه مرحوم علامه طباطبائی را در تعدد ازدواج دنبال می‌کردیم، بسیاری از مشکلاتی را که امروز

ادامه از صفحه اول

سازمان صنفی به جای نظام پزشکی

ولی سازمان نظام‌پزشکی در ایران خود را سازمان صنفی پزشکان معرفی می‌کند و خود را ملزم به دفاع از منافع حرفه پزشکی می‌داند و باین‌حال عمده اعتراض پزشکان در ضعف و قصور سازمان در حمایت از حقوق پزشکان خلاصه می‌شود و نه حقوق مردم و بیماران؛ و بیشترین رقابت‌ها در همه سال‌های سه دهه گذشته بین گروه‌های سیاسی پزشکی که نوعی از گروه‌های فشار محسوب می‌شوند، بوده است یا در دموکراتیک‌ترین حالت آن رقابت بین پزشکان متخصص و پزشکان عمومی برای حفظ منافع صنفی خود شکل گرفته است و حقوق مردم و بیماران به‌ طور کلی مغفول بوده است. اگرچه در ماده یک قانون سازمان نظام‌پزشکی مصوب ۱۳۸۲/۳/۱۸ مجلس شورای اسلامی اهداف این سازمان شامل هر دو بند حفظ و حمایت از حقوق بیماران، حفظ و حمایت از حقوق صنفی شاغلان حرف پزشکی است (که سیاستی غلط و قانونی بارآودکسیکال و تضاد درونی است)؛ ولی خود شرایط سازمان نظام‌پزشکی امروز نشان می‌دهد که اگر سازمان و نهادی توانامن مسئول حفظ منافع فروشنده و خدمت‌دهنده یا ارائه‌کننده و مصرف‌کننده باشد و همه اعضای هیئت‌مدیره آن از فروشندگان یا ارائه‌کنندگان خدمت تشکیل شده باشد، موجب تصحیح حقوق مشتری و مصرف‌کننده (و در اینجا بیمار) خواهد شد و مضافاً اینکه هیئت‌مدیره سازمان نظام‌پزشکی ایران از سوی پزشکان انتخاب می‌شوند و طبیعی است که شعار و عمل آنها متوجه حفظ منافع صنفی پزشکان می‌شود و با توجه به اینکه برای دور بعدی انتخابات نیز هیئت‌مدیره به رای پزشکان نیاز خواهد داشت و این دور باطل همین‌گونه ادامه پیدا خواهد کرد. درحالی‌که در هیچ‌کدام از کشورهای پیش‌رفته و بسیاری از کشورهای دیگر نه‌فقط حفظ حقوق و منافع صنفی پزشکان جزء وظایف کانسیل نظام‌پزشکی ذکر نشده است؛ بلکه همه اعضای هیئت‌مدیره سازمان نیز نمی‌توانند پزشک و صاحب منافع در حوزه پزشکی باشند و پزشکان فقط چند نماینده در هیئت‌مدیره نظام‌پزشکی خواهند داشت. نحوه تبلیغات کاندیدها در انتخابات نظام‌پزشکی و سلسله‌پیام‌های رئیس قبلی و فعلی سازمان نظام پزشکی نیز کاملاً در راستا و مؤید این درک و برداشت صنفی جامعه پزشکی از سازمان متبوع و در تعارض با فلسفه وجودی نظام‌های پزشکی در دنیا بود و هست. دلیل عمده رقابت صنفی ما بین گروه‌های فشار، منافع از جمله نهادهای سیاسی پزشکان، سطوح مختلف پزشکی (متخصص و عمومی) و بین رشته‌های مختلف پزشکی برای مدیریت نظام‌پزشکی در ایران نه همین نکته برمی‌گردد که سازمان نظام‌پزشکی به سازمان صنفی و منشأ دفاع از منافع و حقوق پزشکان و کادر پزشکی در مقابل حقوق مردم و مصرف‌کنندگان خدمات تبدیل شده و طبیعی است که هر قبیله سیاسی و طایفه صنفی که در مدیریت آن سهم داشته باشد، می‌تواند ایجاد و منافع بیشتری را برای خود حفظ کند و الا اگر نظام‌پزشکی کاملاً یک انجمن شهروندی برای حقوق مردم باقی مانده بود، طبیعتاً چنین رقابت سنگینی برای خدمت شکل نمی‌گرفت یا چهره رقابت متفاوت می‌شد.

لزوم تفکیک سازمان نظام پزشکی از سندیکای صنفی پزشکان؛ البته باید اذعان کرد که لزوم تفکیک سازمان نظام‌پزشکی از منافع پزشکان و کادر پزشکی منافاتی با تشکیل نهادهای صنفی یا سندیکایی توسط پزشکان و کادر پزشکی برای دفاع از منافع و حقوق خودشان مانند همه مشاغل دیگر ندارد، ولی باید تأکید کرد که سازمان نظام‌پزشکی، نباید سازمان صنفی پزشکان باشد بلکه باید سازمان تضابطانده صنفی پزشکان و حمایت‌کننده از حقوق مصرف‌کننده یعنی بیماران و مردم در مقابل پزشکان و کادر پزشکی باشد. این‌گونه به روشنگری نیاز است که تغییر محتو، ماهیت، رسالت و مأموریت سازمان‌های نظام‌پزشکی یکی از آثار مخرب گروه‌های فشار حرفه‌ای پزشکی است که در ایران نیز متأسفانه نه‌تنها با چنین شدت و حدتی اتفاق افتاده است، بلکه با حمایت شبکه گروه‌های فشار حرفه‌ای پزشکان در نهادهای سیاست‌گذار و مجری و ناظر سیاست‌های سلامت و آموزش پزشکی و ناگاهی مردم از حقوق خود حالت طبیعی (Normalised) و پذیرفته‌شده فرهنگی (Culturalised) به خود گرفته است. در خاتمه باید گفت حفظ منافع و حقوق پزشکان در چارچوب حفظ و ارتقای منافع ملی و حفظ و مراقبت از منافع آحاد جامعه و مردم امکان‌پذیر است.درباره اصلاح جایگاه مردم‌نهاد سازمان نظام‌پزشکی در ایران، ابتدا شایسته است مجلس از طریق ارائه طرح یا لایحه دولت و با اصلاح قانون، موجب ایجاد انجمن یا جامعه نظام‌پزشکی ایران با مسئولیت‌های نظارت بر آموزش پزشکان، ثبت‌نام و نظم و انتظام‌بخشی به پزشکان و نظارت بر حسن انجام وظیفه قانونی و اخلاقی توسط آنان و تأکید بر حفظ حقوق مصرف‌کنندگان خدمت، مردم و بیماران و حذف حفظ و حمایت از حقوق صنفی شاغلان حرف پزشکی از قانون نظام‌پزشکی شود و تربیتی اتخاذ شود که ضوابط پزشکی در هیئت‌مدیره سازمان تنها دارای حداقل اعضا و رای در کنار حداکثر اعضای غیرپزشک که در حوزه پزشکی و سلامت تضاد منافع ندارند از جمله نمایندگان مردم باشند. این نکته آخر شبان دگر است که در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، حتی تبلیغ کاری، تجاری و صنفی توسط پزشکان و کادر پزشکی برای کلینیک، بیمارستان و فعالیت پزشکی خود، به‌دلیل تضاد منافعی که می‌تواند با سلامتی مردم پیدا کند، ممنوع است.